

اسلام

اسلام دینی یکتاپرستانه و یکی از دین‌های ابراهیمی جهان است.^[۱] پیرو این دین را مسلمان می‌گویند. آنها بر این باورند که خدا مستقیماً بر بسیاری از پیامبران وحی فرستاده و محمد آخرین آنها است.^[۲] این دین هم اکنون از نظر تعداد رسمی پیروان در مکان دوم و پس از دین مسیحیت جای دارد.

ریشه و اثره

اسلام در زبان عربی از ریشه (س-ل-م) که به معنای «تسلیم صلح آمیز؛ تسلیم شدن؛ اطاعت؛ صلح» است مشتق گردیده است. از دیگر مشتقات سه حرف (س-ل-م) می‌توان موارد زیر را نام

برد:

- سلام به معنای «صلح» که همچنین به عنوان درود هم است. [نیاز به ذکر منبع]
- السلام (آرامش) یکی از ۹۹ نام خدا در قرآن. [نیاز به ذکر منبع]
- مسلمان، کسی که از اسلام تبعیت می‌کند؛ کسی خود را به خداوند تسلیم می‌کند.

باورها



اسلام برای هر فردی با شهادتین آغاز می شود. شهادتین به زبان آوردن دو جمله «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» است که به ترتیب به معنای هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و محمد پیامبر الله است. فردی که تصمیم به ایمان آوردن به اسلام را دارد باید این دو جمله را بر زبان آورده و آنها را باور کند.

مسلمانان بر این باورند که خدا پیام خود را از راه وحی بر محمد و پیامبران دیگر از قبیل آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی فرو فرستاد. همه مسلمانان بر این باورند که محمد آخرین پیامبر خدا و مکمل همه آنها است. در نتیجه سخنان او و کتابش تا روز قیامت برای بشریت وجود دارند. مسلمانان بر این باورند که بخش هایی از کتاب های تورات و انجیل فراموش شده اند، اشتباه تفسیر یا نوشته شده اند یا توسط دنباله روان آنها تحریف گشته اند در نتیجه پیام اصلی آنها از بین رفته است. آنها با باور به این مساله، معتقدند که قرآن به عنوان آخرین کتاب وحی شده به انسان ها برای تصحیح آن کتاب ها نازل شده است. [نیاز به ذکر منبع]

باور مسلمانان بر آن است که دین خدا در اصل از آدم تا محمد یکی بوده و این اصول در قرآن گردآمده اند. متون اسلامی این طور بیان می کنند که یهودیت و مسیحیت مشتقاتی از تعالیم ابراهیم بوده و در نتیجه جزو دین های ابراهیمی به شمار می آیند. قرآن، از یهودیان و مسیحیان (و گاهی اوقات دیگر معتقدان) به صورت «اهل کتاب» یاد می کند.^[۳]

باورهای بنیادین در دین اسلام

توحید، معاد، نبوت از اصولی است که بین همه مسلمانان مشترک است. بعضی از زیرشاخه های اسلام به خصوص شیعیان به جز این سه اصل، دو اصل عدل و امامت را نیز جزء اصول می دانند. البته به این دو اصل اصول مذهب گفته می شود.

نام خدا

الله نام ویژه خدای یکتا در قرآن و نوشتارهای عربی-اسلامی است. با این حال فارسی زبانان معمولاً از واژه خدا استفاده می کنند. واژه الله پیش از ظهور اسلام نیز در عربستان وجود داشته است و نام خدای بزرگ و آفریدگار جهان بوده که بت ها به عنوان رابط و واسطه او در اداره جهان به وی کمک می کرده اند. اعراب پیش از اسلام از این رو جهت نزدیکی و ارتباط با الله به عبادت بت ها می پرداختند و آن ها را در اداره جهان میانجی فیض می دانستند.

نام گذاری پیروان

پیروان اسلام را در فارسی مسلمان می خوانند و در نوشتارهای عربی «مسلم». به اضافه اینکه در آموزه های اسلامی بنا بر سخنان خداوند در قرآن کتاب مقدس مسلمانان، ادیانی که تمام پیامبران

الهی آن را ترویج کرده‌اند یک دین است و همه آنها تحت عنوان اسلام خوانده می‌شوند؛ پس پیروان دیگر پیامبران الهی تا زمانی که آیین آنها توسط پیامبر بعدی نسخ نشده بود، مسلمان محسوب می‌شوند.

مذہبها و زیرشاخه‌ها

مسلمانان به دو مذهب عمده شیعه و سنی تقسیم می‌شوند. هر یک از این دو فرقه دارای انشعابات هستند. به عنوان مثال صوفی‌گری در میان شیعه و سنی وجود دارد.

قوانین

پاره‌ای از قوانین اسلام مابین بیشتر ادیان و ایدئولوژی‌ها (اعم از اینکه خود را الهی بنامند یا زمینی) مشترک است. از جمله این قوانین می‌توان به احترام به والدین، یاری به یتیمان، خوش رفتاری با همسر، و ... اشاره نمود. از پیامبر اسلام در مورد خوشرفتاری مردان با زنان روایت شده است که: «کامل‌ترین مؤمنان از حیث ایمان خوش اخلاق‌ترین آنهاست و شایسته‌ترین شما کسانی هستند که با زن خود خوشرفتارترند».

برخی قوانین اسلام دارای ویژگیها، شروط، محدودیتها و تعاریف ویژه خود هستند و انجام آنها مستلزم رعایت آن شروط و ویژگی‌ها است. مانند ازدواج کردن، پرهیز از ظلم و ستم به خود و غیر [نیاز به ذکر منبع]، دست‌گیری مستمندان عدم خودکشی و ... اشاره کرد.

کتاب مقدس

• قرآن، کتاب مقدس و آسمانی مسلمان است و به زبان عربی نوشته شده است، که طبق مندرجات آن و باور مسلمانان توسط وحی الهی به محمد فرستاده شد.

به اعتقاد مسلمانان «قرآن وحی نامه اعجاز آمیز الهی است، که به زبان عربی واژه به واژه توسط فرشته وحی، جبرئیل، از جانب خداوند و از لوح محفوظ بر قلب و زبان پیامبر اسلام هم اجمالا یکباره و هم کم کم در طول بیست و سه سال نازل شده.»^[۶]

این کتاب معتبرترین متن دینی نزد مسلمانان است و مسلمانان آن را «معجزه» و «سند اثبات پیامبری» محمد می دانند. تمام مذاهب اسلامی بر درستی متن آن اتفاق نظر دارند و اختلاف در نحوه خواندن متن، تفسیر و احیانا ترتیب آن است. میزان این اتفاق نظر به حدی است، که شیعیان دوازده امامی ایران و وهابیان عربستان از قرآن با رسم الخط واحدی استفاده می کنند. مسلمانان روی بی خطا بودن کتاب قرآن تاکید دارند.

اسلام و ایران

محمد پس از بعثت به پادشاهان کشورهای همسایه از جمله ایران نامه نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد، پادشاه ایران - خسرو پرویز - این دعوت را نپذیرفت. پس از درگذشت محمد اعراب به ایران تاختند و در آخرین نبرد در قادسیه رستم فرخزاد مشاور یزدگرد و سردار سپاه ایران کشته شد.

برخلاف ادعای برخی مبنی بر این که ستم گری و سخت گیری تازیان بر ایرانیان و ستاندن مالیات های هنگفت به عنوان جزیه ، سبب گسترش اسلام در ایران شد، دکتر شریعتی عقیده دارد که چنین باوری اشتباه بوده، و قبول این دلیل برای گرایش ایرانیان به اسلام برابر با تحقیر ایرانیان است. او معتقد است عدالت طلبی و حق جویی ملت ایران موجب گرایش آن ها به اسلام گردیده است.^[۷] او اعتقاد دارد که کسانی که چنین دیدگاهی دارند، و می گویند ایرانی مسلمان نشده، و به خاطر جزیه ندادن ادعای مسلمان شدن کرده است، بدترین خیانت را با ایرانی ها کرده اند، و باید به نام ملیت اقدام آن ها را محکوم کرد.^۱

اصول دین اسلام

اصول دین شیعه اثنا عشری :

۱. توحید
۲. نبوت
۳. معاد
۴. عدل
۵. امامت

دین اسلام

اسلام آیین حق الهی است و آخرین و کاملترین و بهترین دین در تامین سعادت بشری و جامعترین

دین در تامین مصالح دنیوی و اخروی انسانهاست .

دینی که تمام نیازهای بشر را در امور و نظام های فردی و اجتماعی و سیاسی بر می آورد. دین اسلام آخرین دین است و دیگر انتظار آمدن دین دیگری را نداریم تا بیاید و بشر را از ظلم و فساد و تباهی نجات بخشد به ناچار روزی فرا خواهد رسید که آیین اسلام قوت و نیرو می گیرد و سراسر جهان را تحت سیطره عدالت و قوانین متقن خود در می آورد .

اگر قوانین و دستورات اسلام آن طور که هست در تمام نقاط زمین به صورت کامل و صحیح پیاده شود، صلح و امنیت همه انسانها را فرا می گیرد و تمام انسانها به سعادت واقعی خود نائل می شوند و به آخرین حد رفاه و آسایش و عزت و سربلندی و بی نیازی و اخلاق نیک می رسند و دیگر در دنیا ستم از ریشه قطع می گردد و محبت و برادری بین همه انسانها برقرار می شود، فقر و تهیدستی و فلاکت از صفحه روزگار برچیده می گردد. بنابراین تمسک و پیروی از اسلام علت عقب ماندگی شرم آور مسلمین نشده است بلکه برعکس، دوری از تعالیم سازنده اسلام و سبک شمردن قوانین آن، به وجود آمدن ستمگری ها و تجاوزها در میان زمامداران و زبردستان و خواص و عوام مسلمین، باعث این عقب گردها و ضعف و سقوط معنوی و بیچارگی و فلک زدگی شده است.

ایمان، امانت داری، درستکاری، اخلاص، رفتار نیک، گذشت، و دوست داشتن برای برادر مسلمان آنچه را که برای خود دوست می دارد، از اصول مسلم اسلام است. امروز و آینده برای مسلمانان راه نجات و سعادت جز این نیست که با کمال دقت نظر، خود را به محاسبه بکشند و بیهوده کارهای خود را به حساب بیاورند و برای تذهیب خود و نسل آینده در پرتو دین استوارشان

نهضتی به پا کنند و در سایه چنین نهضتی ظلم و تعدی را در میان خود ریشه کن سازند .

در این هنگام است که جهان را عدل و داد فرا می گیرد پس از آنکه پر از ظلم و جور شده بود،

همان گونه که خدا و پیامبر به این مطلب وعده داده اند و از دین اسلام هم که آخرین ادیان است

و بی آن جهان، اصلاح نمی شود جز این انتظار نیست، ناگزیر برای انجام این انقلاب « پیشوایی»

هست که خواهد آمد و چهره درخشان اسلام را از آلودگی های اوهام و بدعتها و گمراهی ها می

شوید و بشر را از تباهی های همه جانبه و ستم و دشمنی های همیشگی و بی اعتنایی ها نسبت به

اخلاق ارزشمند و عظمت روح انسانی نجات می بخشد.

مسیحیت

مسیحیت به طور کلی به سه فرقهٔ بزرگ کاتولیک "Catholic" ارتودوکس

"Orthodox" و پروتستان "Protestant" تقسیم شده است که فرقه‌های کوچک و زیادی

نیز از آنها منشعب شده است.

مسیحیت یکی از دینهای بزرگ جهان است و پیروان این دین را مسیحی می‌نامند.

مذاهب و فرقه‌های مسیحیت

مسیحیت به طور کلی به سه فرقهٔ بزرگ کاتولیک "Catholic" ارتودوکس

"Orthodox" و پروتستان "Protestant" تقسیم شده است که فرقه‌های کوچک و زیادی

نیز از آنها منشعب شده است. با سلام؛ لطفاً، بعد از خواندن مطالب نظر خود را بنویسید.

از نظر مسیحیت هیچگونه پیامبری بعد از مسیح دیگر به دنیا نخواهد آمد و یا بهتر است

بگوئیم که مسیحیان و حتی خود مسیح و انجیل نیز این عقیده را داشته که مسیح پیامبر

نیست و مسیحیت نیز دین نمی باشد چه برسد به شخص بعدی و دیگری. اما جالب

اینجاست که مسلمانان حتی برای یکبار هم که شده حاضر به شنیدن اینگونه مطالب و حرفها

نمی باشند، چه برسد به تحقیق و خدای ناکرده و به قول خودشان، قبول کردن و کافر شدن

و جالب تر اینکه بدون داشتن هیچگونه سند و ادعای درستی و نداشتن متأسفانه کمتر

اطلاعات و سواد در این مورد این مطلب را ۱۰۰% باطل، کفر، کذب و دروغ می دانند

و نسبت با این مطلب موضع می گیرند و می گویند انجیل تحریف شده. خواهش میکنم

یک دلیل قانع کننده و معقول برای صحت ادعای خودتان ارائه دهید تا دیگران نیز بدانند

!!! اما همین افراد مؤمن و به اصطلاح خودشان خدا شناس و خداپرست، به مقدسات دین

خودشان (اسلام) نیز، نه وفادار بوده و نه شناخت درستی دارند .

دلیل اول: برای یکبار هم که شده قرآن را نه می شناسند و نه خوانده اند . شما را به خدا

راستش را بگوئید نه دروغ . زیرا می دانم که دیوار هاشا بلند است و نادیدنی . به امید

آشنایی بیشتر با شما عزیزان Email: من hadimohamad : ۲۰۰۴ @yahoo.com

مسیحیت اولیه

تعدادی از مذاهب در طول سده‌های دوم و سوم میلادی در سراسر امپراتوری روم، پیروانی

را برای خود جلب کرده‌اند . مراسم نیایش ایسوس و میتراپرستی طرفداران زیادی داشت، اما

مهارت سنت پل (پل مقدس) در تبلیغ کمک کرد تا مسیحیت به صورت مذهب اصلی مردم

روم، در دوران او در آید . مسیحیان غالباً توسط امپراتوران رومی مورد شکنجه شدیدی قرار

می گرفتند، اما سرانجام مسیحیت به عنوان دین رسمی این امپراتوری پذیرفته شد .

امپراتوری روم در مقابل ادیانی که با مذاهب رسمی و خدایان رومی در جنگ نبودند و یا

تقدیس امپراتور را به زیر سؤال نمی بردند، با آزاد اندیشی و تحمل برخورد می کرد . مذهب

ملی رومیها قدری سرد و بی روح بود و تعجبی ندارد ادیانی که دارای جنبه‌های روحانی و

احساسی بیشتر بودند، محبوبیت بیشتری پیدا کردند .

ادیان دیگر

آیین میترا الهه^۱ ایرانی نور، روی عشق و برادری و اهمیت آن تکیه می کرد . این آیین

خصوصاً در بین سربازان رومی محبوبیت داشت . آیین لیموس، الهه‌ای مصری، بسیاری از زنان

رومی را جلب نمود . مذهب مسیحیت در بین طبقه^۲ پایین جامعه طرفداران بسیار پیدا کرد،

زیرا آنها عقیده داشتند خداوند همه^۳ انسان‌ها را با هم برابر می داند، و حتی بردگان و آزاد

شدگان و زنان نیز همگی از حقوق مساوی برخوردار هستند .

مخالفان

اولین گروه مسیحیان از دیدگاه پاگانها (افرادی که خدایان متعددا می پرستیدند) مورد تردید

بودند . دلیل این مسئله آن بود که آنها تصور می کردند مسیحیان برای برگزاری «جشنهای

انس» و آدمخواری، جلسات سری تشکیل می دهند . چرا که گوشت حیوانات قربانی شده در

معبد پاگانها (کافران بت پرست) را خریداری نکرده و همچنین در تفریحات عمومی

وحشیانه، شرکت نمی کردند . دولت هر چند وقت یکبار مسیحیان را مورد اذیت و آزار قرار

می داد . بسیاری از مسیحیان شکنجه شده و مردند . اما به هر حال، علی رغم شکنجه و آزار

فراوان، مسیحیت به گسترش خود ادامه داد .

دوران آشوب

در دوران آشوب بزرگ، که امپراتوری روم مورد تهدید حمله بربرها و امپراتوری ایران

قرار داشت، همه امپراتورها در جستجوی خدایی قدرتمند برای کمک به دفع بلا از روم،

بودند امپراتور دیوکلتیانوس (۲۴۵ - ۳۱۳ میلادی)، میترا، الهه نور ایرانیان را به عنوان خدای

خود اعلام کرد، که از امپراتوری حمایت و حفاظت کند . امپراتور کنستانتین (۲۸۰ -

۳۳۷) خدای مسیحیت را انتخاب نمود .

کنستانتین

در سال ۳۱۲، کنستانتین در حالی که به طرف روم می رفت تا آن را از رقیب پس بگیرد،

اعلام کرد که نشان مسیحیت را روی خورشید دیده است و جمله «^۱ شما با این علامت

پیروز خواهید شد» را به لاتین روی آن خوانده است . روی پل میلیویان بر روی رودخانه^۲

تیر، ارتش کنستانتین، به پیروزی رسید. در مدت کوتاهی، مسیحیت به عنوان مذهب رسمی امپراتوری روم، جایگاه خود را تثبیت کرد .
تاریخ‌شمار ابتدای مسیحیت
۳۰ میلادی

در این سال عیسی مسیح از سوی مقامات رومی که آموزه‌های او را تهدیدی علیه خود می‌پنداشتند، مورد محاکمه قرار گرفته و بنا به عقیدهٔ مسیحیان، مصلوب گردید .

۳۷

پل اهل تارسوس، با دیدن صحنه‌ای در جادهٔ دمشق، به دین مسیحیت می‌گروید و مأموریت خود را برای تبلیغ و مسیحی کردن غیر یهودیان، آغاز می‌کند .

۴۲

پیتر، که برای قرنهای متمادی به عنوان اولین پاپ، مقام او را جشن می‌گیرند، اولین جامعهٔ مسیحی را در رم بنیانگذاری می‌کند .

۶۴

مسیحیان به خاطر آتش سوزی شهر رم مورد اتهام قرار گرفتند. امپراتور نرون طی تلاشی برای بدست آوردن مجدد محبوبیت خود، آنها را مورد شکنجه و آزار قرار می‌دهد. پیتر مقدس در این زمان کشته می‌شود .

۷۰

رومیا اورشليم (بیت المقدس) را بعد از شورش یهودیان بر علیه حکومت آنها، شدیداً

تخریب می کنند . بسیاری از یهودیان از اورشلیم اخراج می شوند . مسیحیان در این شورش بر علیه رومیان شرکت نمی کنند . رم به مرکز حرکت های رو به رشد مسیحی تبدیل می شود .

۳۰۴

جوامع مسیحی در اطراف مدیترانه به صورت گروه هایی جمع شده و از آنجا تا بریتانیا و دره نیل در مصر، رفتند .

۳۱۳

به سبب پشتیبانی امپراتور کنستانتین، مسیحیت خیلی سریع به قویترین مذهب در امپراتوری روم تبدیل شد .

۳۲۵

اولین گردهمایی رهبران کلیسای مسیحیت، برای تبیین عقاید مسیحیت و سازماندهی جامعه مسیحیت، در نیقیه، تشکیل شد . اعتقاد نامه حواریون با اعتقاد نامه نینمجموعه ای از جملات اعتقادی مسیحیان نوشته می شود .

۳۳۰

روم جدید در بیزانس توسط کنستانتین، تأسیس شده و دوباره به کنستانتینوپول بعداً استانبول، نامگذاری شده و به عنوان پایتخت امپراتوری مسیحیت، ساخته می شود .

۳۸۱ - ۳۹۱

در طول حکومت امپراتور تئودوسیوس، مسیحیت به صورت دین رسمی امپراتوری روم در می آید . ادیان غیر مسیحی، کافرو بدعت گذاری در مسیحیت افکار مخالف دیدگاههای

کلیسا غیر قانونی اعلام می شود .

حقایق ثبت شده

مسیحیان اولیه نیز مانند رومی‌ها، مردگان خود را در دخمه‌های زیر زمینی دفن می کردند . در

این دخمه‌ها یک کلیسای کوچک برای اجرای مراسم تدفین وجود داشت . مسیحیان شکنجه

شده در این قبرهای تاریک زیر زمینی پنهان می شدند و حتی در آنجا زندگی می کردند . به

دلیل آنکه تعداد زیادی از مقدسین در این محل‌ها دفن شده بودند، بسیاری از آنها بعداً

تبدیل به مرقد و زیارتگاه شدند .

مسیحیت در اروپا و امپراتوری روم

بانی انتشار مسیحیت در اروپا پولس بود . این شخص که مسیح را ندیده بود و خود پس از

سال‌ها بت پرستی به دین مسیح گرویده بود عقاید مسیحیت را با افکار بت پرستی روم و

فلسفه یونان ممزوج ساخت . پولس رساله‌های خود را بعد از قرن اول میلادی نگاشت .

نوشته‌های او به خوبی گواهی می دهد که او مسائل دینی را با افکار فلسفی و به ویژه با

فلسفه حلول ممزوج کرده است . او معتقد بود که مسیح در طرف راست خدا نشسته و برای

خیرخواهان طلب آمرزش می کند و از خدا می خواهد که کلمه اش را در آنان ساکن گرداند

و به آنان نوید می دهد که به زودی، آنگاه که به زمین بازگشت می کند، آنان را به مجد و

عظمت خواهد رسانید . از مجموع گفته‌های او به دست می آید که منتظر بوده مسیح به

زودی به زمین بازگشت کند . بزرگ‌ترین حادثه‌ای که در قرن چهارم میلادی اتفاق افتاد،

موضوع طرفداری کنستانتین امپراتور روم از مسیحیان در سال ۳۱۳ میلادی بود .

این حادثه هر چند به ظاهر برای مسیحیان پیروزی و موفقیتی بزرگ شمرده می شد و پس از

آن، حزب مسیحی توانست تنها حزب مقتدر و با نفوذ در دستگاه امپراتوری باشد. دیانت مسیح بر خلاف انتظار مسیحیان متعصب همچنان آلوده به شرکت و آمیخته با افسانه‌ها و افکار بت پرستی باقی ماند.

کتاب مقدس چیست؟

کتاب مقدس مرکب از عهد عتیق و عهد جدید است. عهد عتیق شامل تورات و "صحف انبیاست". عهد جدید هم که بر روی جلد ترجمه فارسی آن می‌نویسند: انجیل مقدس خداوند و نجات دهنده، ما، عیسی مسیح، از ۲۷ قسمت تشکیل شده: اناجیل متی، مرقس، لوقا، یوحنا و اعمال رسولان و ۲۱ رساله منسوب به پولس و دیگران چون پطرس و یوحنا و غیره است که مجموعاً ۲۷ قسمت می‌شود.

عهد عتیق

"اسپینوزا فیلسوف معروف یهودی، مطالبی درباره عهد عتیق بیان می‌دارد که خلاصه آن به شرح زیر است: همه گمان تقریبی دارند که نویسنده اسفار تورات موسی بوده است. فریسیان در این رأی اسرار زیاد دارند و مخالفین این گمان را خارج از مذهب می‌شمردند و به همین جهت ابن عزرا که تا حدودی آزاد فکر می‌کرد و اول کسی بود که به این خطا پی برد جرأت نکرد به طور صریح این مطلب را بیان کند، ولی من از توضیح این موضوع بیم ندارم. آنگاه اسپینوزا شواهدی را که ابن عزرا نقل کرده ذکر می‌کند.

عهد جدید

انجیل و رساله‌هایی که به مسیح و شاگردان مسیح نسبت داده می‌شود مورد اعتبار نیست زیرا فاقد سند تاریخی و متن کامل است. حوادث تاریخی و دخل و تصرف‌هایی که رخ داده

آنها را خالی از دگرگونی و تحریف باقی نگذاشته و نیز سبک این نوشتارها با سبک و اسلوب نوشتهٔ پیامبران تفاوت روشنی دارد. اسپینورا می‌نویسد: "من معتقدم که استدلال‌های عمیق و طولانی پولس در رساله به رومیان و نیروی وحی متکی نیست و از حد

استدلال‌های معمولی پرافتر نهاده‌است و همین طور راه و روش گفتار حواریون به گونه‌ای که از رساله هایشان بر می‌آید به روشنی دلالت دارد که این نوشته‌ها از وحی و به لطف خداوند نیست بلکه افکار شخصی و معمولی نویسنده‌های آنهاست.

آیا کتاب مقدس آسمانی و الهی است؟
به طور کلی کتاب مقدسی که اکنون مورد قبول مسیحیان است اساسی ندارد و ساختگی

است. شواهد ساختگی بودن کتاب مقدس بسیار است که برای نمونه به قسمتی از آنها اشاره می‌شود:

تناقضاتی که بین عهد جدید و عهد عتیق یا بین سایر رساله‌های آنها به چشم می‌خورد.

موهومات و خرافاتی که در سرتاسر کتاب مقدس مشاهده می‌شود از قبیل: شراب خواری انبیا و کشتی گرفتن یعقوب با خدا.

نقص کتاب مقدس از نظر «معارف الهی» و غیر آن... وقتی در فصول مختلف آن دقت می‌شود می‌بینیم که می‌گوید: خدا راه می‌رود، خدا پشیمان می‌شود، علم خدا محدود و متناهی است و ...

اشتباهات تاریخی و غیر تاریخی

فیاپس شاله در مورد کتاب مقدس چنین گفته است: در هر حال، این‌ها آثار انسانی است

و غیر ممکن است که این کتب گفتار خدا شمرده شود.

تاریخ مسیحیت

مسیحیت اولیه

تعدادی از مذاهب در طول قرون دوم و سوم میلادی در سراسر امپراتوری روم، پیروانی را برای خود جلی کرده اند. مراسم نیایش ایسوس و میتراها طرفداران زیادی داشت، اما مهارت سنت پل (پل مقدس) در تبلیغ کمک کرد تا مسیحیت به صورت مذهب اصلی مردم روم، در دوران او در آید. مسیحیان غالباً توسط امپراتوران رومی مورد شکنجه شدیدی قرار می گرفتند، اما سرانجام مسیحیت به عنوان دین رسمی این امپراتوری پذیرفته شد .

امپراتوری رم در مقابل ادیانی که با مذاهب رسمی و خدایان رومی در جنگ نبودند و یا تقدیس امپراتور را به زیر سوال نمی برند، با آزاد اندیشی و تحمل برخورد می کرد. مذهب ملی رومیها قدری سرد و بی روح بود و تعجبی ندارد که ادیان دارای جنبه های روحانی و احساسی بیشتر، محبوبیت بیشتری پیدا کردند .

ادیان دیگر

آیین میترا الهه ایرانی نور، روی عشق و برادری و اهمیت آن تکیه می کرد. این آیین خصوصاً در بین سربازان رومی محبوبیت داشت . آیین لیموس، یک الهه مصری، بسیاری از زنان رومی را جلب نمود. مذهب مسیحیت در بین طبقه پایین جامعه بسیار طرفدار پیدا کرد، زیرا آنها عقیده داشتند خداوند همه انسانها را با هم برابر می داند، و حتی بردگان و آزاد شدگان و زنان نیز همگی از حقوق مساوی برخوردار هستند .

مخالفان

اولین گروه های مسیحیان از دیدگاه پاگانها افرادی که خدایان متعدد می پرستیدند) مورد تردید بودند. دلیل این مسئله آن بود که آنها تصور می کردند مسیحیان برای برگزاری جشنهای انس، آدمخواری، جلسات سری تشکیل می دهند. چرا که گوشت حیوانات قربانی شده در معبد پاگانها (کافران بت پرست) را خریداری نکرده و همچنین در تفریحات عمومی وحشیانه، شرکت نمی کردند. دولت هر چند وقت یکبار مسیحیان را مورد اذیت و آزار قرار می داد. بسیاری از مسیحیان شکنجه شده و مردند. اما به هر حال، علیرغم شکنجه و آزار فراوان، مسیحیت به گسترده شدن خود ادامه داد .

دوران آشوب

در دوران آشوب بزرگ، که امپراتوری مورد تهدید حمله بربرها و ایرانیان تجاوزگر قرار داشت، همه امپراتور ها بدنبال یک خدای قدرتمند برای کمک به دفع بلا از روم، بودند امپراتور دیوکتیانوس 245 - ۳۱۳ میلادی). مپترا به عنوان خدای خود اعلام کرد، که از امپراتوری حمایت و حفاظت کند. امپراتور کنستانتین (280-۳۳۷) خدای مسیحیت را انتخاب نمود.

حقایق ثبت شده

مسیحیان اولیه نیز مانند یهودیان و رومی ها، مردگان خود را در دخمه های زیر زمینی دفن می کردند. در این دخمه ها یک کلیسای کوچک برای اجرای مراسم تدفین وجود داشت. بسیجیان شکنجه شده در این قبرهای تاریک زیر زمینی پنهان می شدند و حتی در آنجا زندگی می کردند. به دلیل آنکه تعداد زیادی از مقدسین در این محلها دفن شده بودند، بسیاری از آنها بعدا تبدیل به مرقد و زیارتگاه شدند.

مسیحیت به عنوان دین رسمی

سال ۳۰۴

جوامع مسیحی در اطراف مدیترانه به صورت گروههایی جمع شده و از آنجا تا بریتانیا و دره

نیل در مصر، رفتند .

سال ۳۱۳

به سبب پشتیبانی امپراتور کنستانتین، مسیحیت خیلی سریع به قویترین مذهب در امپراتوری رم

تبدیل شد .

سال ۳۲۵

اولین گردهم آیی رهبران کلیسای مسیحیت، برای تبیین عقاید مسیحیت و سازماندهی جامعه

مسیحیت، در نیقیه، تشکیل شد . اعتقاد نامه حواریون با اعتقاد نامه نیسن، (مجموعه ای از

جملات اعتقادی مسیحیان) نوشته می شود .

سال ۳۳۰

رم جدید در بیزانس توسط کنستانتین، تاسیس شده و دوباره به کنستانتینوبول (بعدا استانبول)،

نامگذاری شده و به عنوان پایتخت امپراتوری مسیحیت، ساخته می شود .

سال ۳۸۱ - ۳۹۱

در طول حکومت امپراتور تئودوسیوس، مسیحیت به صورت دین رسمی امپراتوری روم در

می آید. ادیان غیر مسیحی کافر و بدعت گذاری در میحیت افکار مخالف دیدگاههای

کلیسا غیر قانونی اعلام می شود.

زرتشت

زرتشت، زردشت، زردهشت یا زراتشت (در اوستا زَرْتَوِشْتَرَه به تعبیری به معنی «دارنده روشنایی

زرین رنگ» و به تعبیری دیگر «دارنده شتر زردفام» و سرانجام به معنای «ستاره زرین») نام پیامبر

ایرانی و بنیادگذار دین زرتشتی یا مَزَدَیَسنا و سراینده گاهان (کهنترین بخش اوستا) است. در متون

باستانی یونانی، معنای زرتشت برابر با ستاره شناس دانسته شده است. بعضی پژوهشگران بر این

باورند که زایش زرتشت در روز ششم فروردین بوده است ولی درباره تاریخ زایش او دیدگاههای

فراوانی وجود دارد. برآوردها از ششصد تا نهصد سال پیش از میلاد تفاوت دارند. تولد زرتشت را

در شمال غربی ایران در نزدیکی دریاچه چیچست (ارومیه) و برخی در شرق ایران دانسته اند که

احتمال این که از شرق ایران بوده باشد بیشتر است. پس از اعلام پیامبری در سن ۳۰ سالگی،

زندگی بر زرتشت در منطقه مذکور ایران سخت شد و او ناچار به کوچ به شمال شرقی ایران آن

روزگار یعنی منطقه بلخ شد. در آنجا زرتشت از پشتیبانی گشتاسب شاه برخوردار شد و توانست

دین خود را گسترش دهد. زرتشت در سن ۷۷ سالگی در روز خور برابر با یازدهم دی ماه در

نیایشگاه بلخ بدست یک تورانی به نام توربراتور کشته شد.

معنی اسم زرتشت

بیشتر از ده شکل برای اسم زرتشت در زبان فارسی موجود است. زارتشت، زارهشت، زاردشت، زارهوشت، زردهشت، زراتشت، زرادشت، زرتهشت، زرهشت، زرهشتت، زره دست و زرهشت از این قبیل است ولی او خود را در گاتها زرتشتر می نامد و گاه نیز اسم خانوادگی را که «سپیتمه» باشد افزوده می شود و به صورت «زرتشتر سپیتمه» ذکر می شود. البته این اسم خانوادگی را امروزه سپنتمان و یا اسپنتمان می گویند. ظاهراً معنی آن از نژاد سفید و یا از خاندان سفید است.

از بیشتر از دو هزار سال پیش تا به امروز هر کس به خیال خود معنی از برای کلمه زرتشت تصور کرده است. دینون یونانی آنرا به «ستاینده ستاره» ترجمه کرده است. آنچه که مشخص است این است که این اسم مرکب است از دو جزء «زرت» و «اشترا» هر چند که در سر زرت اختلاف بسیار است. انواع و اقسام معنی برای آن درست کرده اند که شرح همه آنها موجب طول کلام خواهد شد. البته اکثر تاریخ شناسان معتقدند زرد و زرین و پس از آن پیر و خشمگین معانی نزدیک تری هستند. بارتولومه جزء اول را «زرنه» ثبت کرده و «دارنده شتر پیر» معنی کرده است و دار «زراتو» دانسته و آن را «زرد» ترجمه کرده است. شاید هیچکدام درست نباشد زیرا کلمه زرد در خود اوستا «زیریت» است. البته «زرات» به معنی پیر آمده است ولی اینکه چرا در ترکیب با اشترا تبدیل به «زرت» شد باعث اختلاف نظر شده است.

در جزء دوم این اسم اختلاف نظری نیست زیرا هنوز کلمه شتر و یا اشتر در زبان فارسی باقی است و هیچ شکی نیست که اسم پیغمبر مانند بسیاری از اسامی قدیم ایرانی که با اسب و شتر و گاو

مرکب است با کلمه شتر ترکیب یافته و «دارنده شتر» معنی می‌دهد و به همان معنی است که امروز در فارسی می‌باشد. مثل فراشتر به معنی دارنده شتر راهوار و یا تندرو است. اسم پدر زرتشت پوروش اسپ بوده که مرکب است از پوروش به معنی دو رنگ و سیاه و سفید و اسپ. پوروش اسپ معنی دارنده اسپ سیاه و سفید را می‌دهد

زردشت دهقان زاده‌ای بوده که اصلیت آن به مادها بازمی‌گردد. پیام‌های او به وسیله ُ سروده‌هایش که گات یا گاهان نامیده می‌شوند به مارسیده است منابع: تاریخ جامع ادیان

تبار و خانواده زرتشت

جد پدری زرتشت شخصی بود به نام پیتر گتراسپه. نام خانوادگی زرتشت اسپنتمان بود. مادر او دغدو و پدر وی پوروشسب نام داشتند. پوروشسب اسپنتمان مردی دانشور و درستکار بود. دغدو دختر فری‌هیم‌روا از خاندان نژادگان (اشراف) و دینور بود. حاصل ازدواج پوروشسب و دغدو پنج پسر بود و زرتشت سومین آنهاست. زرتشت از همسر خود به نام هووی شش فرزند داشت. نام سه پسر ایشان ایست‌واستره، اوروت‌تره، هورچیزه و نام سه دخترشان فرینی، ثریتی و پوروچیستا بود. یکی از هفت شاگرد اصلی زرتشت به نام میدیوماه پسر عموی پیامبر بود.

هر یک از فرزندان زرتشت وظایفی عمده بردوش داشتند. به عبارت دیگر پسر ارشد او روحانی، پسر دوم جنگجو و پسر سوم شبان بوده است.

لفظ اشو که به معنی مقدس روحانی و جسمانی راستی و درستی است و در اوستا زیاد آمده است صفت یا عنوان پیغمبر می‌باشد. به طوری که در اکثر جاهای اوستا آمده صفت اشو از جانب اهورا

مزدا به زرتشت اختصاص یافته و دیگر مقامی بالاتر از ان نیست که مخلوقی از جانب خالق
بخشنده، به خطاب اشوئی مخاطب شود. اشوزرتشت را از سلسله مه‌آبادیان نامیده‌اند.

خاستگاه زرتشت

از این پیامبر ایرانی در یشت‌های کهن سخن می‌آید که در (آریان و یوچه) در ساحل رود (دائیتی)
در سرزمین قبایل ایرانی متولد گردید در (زامیادیش) زیستگاه زرتشت را در ناحیه ئی میدانند که
در آن دریاچه (کوسوی) است که مطابقتی با دریاچه هامون دارد. بهر تقدیر ناحیه (آریان و یوچه)
گاه خوارزم پنداشته می‌شود و گاه آن را آذربایجان و بعضاً بدلیل مراسمی مذهبی که در ستایش
(آردویسوراناها) می‌شود آن را در سیستان ذکر کرده‌اند. تاریخ موجودیت زرتشت را نمی‌توان
بطور قطع مشخص نمود که احتمالاً قدمت آنرا از ۹۰۰ سال تا ۶۰۰ سال پیش از میلاد می‌دانند.
زرتشت از سرزمینی کهنی برخاست که مردمانش آریایی بودند.

اندیشه زرتشت

زرتشت آزادی و اختیار را گزینشی برای مردم میدانند. بهره کار هر کس همانست که انجام
می‌دهد جبری برای اشخاص نیست نیکی اشخاص جز بهره‌ئی از نیکوئی و شر اشخاص جز شری
برای وی نخواهد بود. هر مزد یا اهورامزد در این آیین خدا هست و اهریمن هم دیو است.

زندگی نامه زرتشت

فره ی زرتشت را اهورا مزدا از روشنایی بیکران که در سپهر ششم بود بنا کرد و از آنجا به خورشید و از آنجا به ماه و از آنجا به سپهر ستارگان که در زیر سپهر ماه بود، فرود آورد . از سپهر ستارگان ، فره ی زرتشت به آتشگاه خاندان فراهیم روان زیش فرود آمد.

درین نوشته بگونه ای کوتاه آورده می شود که زرتشت از چه و چگونه ساخته شد و برای چه پا بدین دنیا گذاشت و دلیل مبارزه اش چیست .

از انروز که اهریمن بد نهاد به جنگ با هرمزد آغاز کرد ، شش هزار سال گذشته بود و درین مدت، اهرمن دوبار با آفات و دیوان و تاریکی و بیماری و درد و نیاز و خشم و دروغ به جهان هورمزد کمین زده و آب و خاک و گیاه و حیوان و مردم را آزار کرده بود . در سه هزار سال سوم، هورمزد برای رهایی ازین آفت ها ، زرتشت را به این گیتی فرستاد و دین و آیینهای خود را به او سپرد تا مردمان را به سوی نیکی راهبری کند و جهان را به راستی و پاکی و آبادانی از شر و بدی اهریمن آزاد گرداند تا پیروزی هورمزد به انجام برسد . در پایان آن سه هزار سال، رستاخیز خواهد شد و بدی و زشتی و ناپاکی از میان بر خواهد خاست و دست اهریمن تا ابد از دامان آفریدگان اهورامزدا کوتاه خواهد شد و جهان، پاک و فر نخستین را باز خواهد یافت .

بنابر گفتارهای زرتشتی ، برای زادن زرتشت سه چیز از جهان بالا بهم پیوست : نخست، فره ی زرتشت که فروغ و شکوه ایزدی بود، دوم روان بود و سوم، تن . اینک بهترست به تشریح هریک ازین سه عنصر و چگونگی همگون شدن آنها برای زایش اشو زرتشت پرداخته شود تا خواننده ای که بتازگی به کاوش در دین زرتشت علاقمند شده است بداند که

خوشحالی و شگفتی زرتشتیان از زایش اشو زرتشت از چه روست .

فره ی زرتشت

فره ی زرتشت را اهورا مزدا از روشنایی بیکران که در سپهر ششم بود بنا کرد و از آنجا به

خورشید و از آنجا به ماه و از آنجا به سپهر ستارگان که در زیر سپهر ماه بود، فرود آورد .

از سپهر ستارگان ، فره ی زرتشت به آتشگاه خاندان فراهیم روان ژیش فرود آمد . از آن

پس ، آتشگاه فراهیم بدون نیازمندی به چوب و هیمه ، پیوسته و با فروغ بسیار می سوخت .

فراهیم نیای زرتشت شد و فره ی زرتشت از آتشگاه خانه در وجود زن فراهیم که فرزندی را

آبستن بود داخل شد . پس از چندی زن فراهیم دختری بدینا آورد که نامش را دغدوا یا

دغدو گذاردند . دغدوا همچون دیگر کودکان رشد میکرد و چون فره ی ایزدی را در وجود

خود داشت چون چراغ میدرخشید و نور می پراکند .

از دیگر سو، اهریمنان که از زادن زرتشت بیم داشتند ، وسیله انگیختند تا فراهیم و دیگر

مردمان گمان کنند که دغدوا ازینرو انچنان میدرخشد که با جادوگران راه دارد . پس فراهیم

فریب خورد و دغدوا را از خانه و قبیله ی خویش راند . دغدوا در مسیر آوارگی خود به

قبیله ی « سپیتمان » رسید و در خانه ی سرور قبیله فرود آمد . پس از چندی دغدو با

« پوروشسپ » ، فرزند رئیس قبیله ازدواج کرد . بدین گونه بود که فره ی زرتشت از خاندان

فراهیم به خاندان سپیتمان و پوروشسپ، پدر زرتشت رسید .

روان زرتشت

روان زرتشت را هورمزد بگونه ی ایزدان بهشتی آفرید . پیش از آنکه زرتشت به جهان

زیرین بیاید، روان وی در جهان بالا میزیست . چون زمان زادن زردشت رسید بهمن و

اردیبهشت از ایزدان مینوی و یاوران هورمزد، ساقه ی بلند و زیبایی از گیاه هوم را از سپهر ششم که جایگاه روشنایی بیکران است، برگرفتند و بزمین فرود آمدند و آنرا بر سر درختی که دو مرغ بر آن آشیانه داشتند فرود آوردند .

ماری به آشیانه راه یافت و چوجه ی مرغان را فرو برد . آنگاه ساقه ی هوم، مار را کشت و مرغکان را رهایی بخشید . آنگاه روزی پوروشسپ که تازه دغدوا را بزنی گرفته بود درپی گله به چراگاه رفت . در راه ، بهمن و اردیبهشت بر او آشکار شدند و او را بسوی درختی که ساقه ی هوم بر آن بود رهبری کردند . پوروشسپ بیاری این دو مهین-فرشته، ساقه ی مقدس را بدست آورد و آنرا بخانه برد و بزنی خویش سپرد تا آنرا نگاه دارد .

تن زرتشت

گوهر تن اشو زرتشت از آب و گیاه بدست خورداد و امرداد ، دو ایزد دیگر از یاوران هورمزد ساخته شد . خورداد، ایزد آبها ست و امرداد ، ایزد گیاهان . پس خورداد و مرداد در آسمان، ابر انگیختند و باران فروانی بر زمین بارید . چارپایان و مردمان شاد شدند و گیاهان، تازه و خرم گردیدند . مایه ی تن زرتشت، که خورداد و امرداد در باران نشانده بودندش، با قطرات باران بزمین رسید و در دل گیاه جای گرفت .

آنگاه پوروشسپ براهنمایی خورداد و امرداد، شش گاو پرمایه برداشت و به چراگاه برد . گاوان از گیاهانی که مایه ی تن زرتشت در آنها بود خوردند . بزودی پستانهای گاوان پرشیر شد و مایه ی تن زرتشت به شیر آنها آمیخت . پوروشسپ گاوان را بخانه برد و به دغدو سپردشان تا آنها را بدوشد . آنگاه زن و شوی اش ، ساقه ی گیاه مقدس هوم را که بیاری

بهمن و اردیبهشت بدست آورده بودند ، نرم کردند و در شیر آمیختند و از آن خوردند .
بدین گونه؛ روان زرتشت و مایه ی تن وی در وجود دغدوا با فره ی زرتشت گرد آمد و پس از چندی زرتشت برای راهبری دین و آیین هورمزد در ششم فروردینگان از مادرش دغدوا در کنار دریای چی چست ارومیه زاده شد.

زرتشت دین در یکتاپرستی

درباره یکتاپرستی و توحید در دین زرتشت دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی ارائه شده است.

خدای زرتشت، اهورامزدا :

پروفسور آسموسن درباره خدای زرتشت می گوید :روح و فکر زرتشت در تسخیر خدای

واحد، اهورا مزدا، بود .نام اهورامزدا به تمام معنی پرورده و زائیده فکر زرتشت بود و

مطالعات فراوانی که در این زمینه انجام شده حاکی از آن است که قبل از او کسی با این

نام آشنایی نداشته است .در متون قوم اکد به نام سه خدا به نامهای مزدکو، اسرا، فرش بر

می خوریم ولی این سه نام ارتباطی با نام اهورامزدا ندارد .آسموسن، ج.پ، ص ۱۰۴-۱۰۵

نیرگ در مورد پیام زرتشت چنین می گوید» :توجه دقیق به پیام زرتشت نشان می دهد که

او تا اندازه بسیار زیادی پای بند به عقاید میتراپی بوده و به هیچ وجه تغییری در آنها ایجاد

نکرده است .بلکه برعکس او بسیار محتاط بوده و جنبه نو و تازه اصولاً در مواد آموزه‌های

او نیست بلکه در ترکیب این مواد است «نیرگ، هنریک ساموئل، ۱۳۵۹، ص ۸۹ نیبرگ

زرتشت را کاهنی می دانسته که در روزگاران قدیم در یکی از جوامع بدوی آسیای میانه،

پیشوای دین بوده و اجراء آداب و مناسک قبیله خود را بر عهده داشته و با عالم ارواح از راه رقص و سماع و خلسه و با نوشیدن موادی که از گیاهان نشئه آور به دست می آمده، ارتباط برقرار می کرده است. از اینرو می گوید: زرتشت بسیاری از سرودهای خود را در حال جذبه و بیخودی سروده است. مجتبیایی، فتح اله، ۱۳۶۵، ص ۱۴

ویدن گرن در همین ارتباط می گوید: «... در یک جذبه نزدیک به خواب عمیق به نام خوفنه است که زرتشت رؤیتهای خود را داشته و گفتارهای اهورامزدا را شنیده است.»

احتمالاً در جامعه نخستین زرتشتی ایجاد حالت جذبه بوسیله ماده مخدر عادی بوده است. این شیوه احتمالاً منشأ هندو ایرانی دارد زیرا در میان هندیها نیز تأیید شده است «همو در جای دیگر می گوید»: از نظر ما زرتشت صاحب جذبه ای است که در میان گروهی مرید نمودار می شود که آنها نیز به حالت جذبه خو گرفته اند. با این وجود این رفتار به اصطلاح شمنی فقط چهارچوب خارجی عمل اوست برای هر تاریخ نگار روشن است که شخصیتهای بزرگ نیز از همان کاری آغاز می کنند که در محیط خودشان انجام می گرفت. بنیانگذاران دینها نیز استثناء نیستند و این کار از مقام آنها در تاریخ نمی کاهد «ویدن گرن،

گنو، ص ۱۱۱-۱۱۲ سپس چنین می گوید»: گرایش به یکتاپرستی مطمئناً در آموزه زرتشت وجود دارد. منتها این گرایش نمی تواند فراگیر شود چرا که گرایش به دوگانه پرستی که

بطور مطلق با آن در تقابل قرار گرفته، مانعی در برابر آن است. ویدن گرن، گنو، ص ۱۱۱ زرن در مورد زرتشت می گوید»: این مطلب که زرتشت با دین کهن به مخالفت برمی خیزد

بسیار روشن است «سپس ضمن آوردن نمونه هایی از این مخالفت در جای دیگر می

گوید: زرتشت خود را پیامبری می‌دانست که از جانب خدا فرستاده شده تا نه تنها دین جدیدی بیاورد بلکه مراسم عبادی کهن را نیز اصلاح کند. او خود را پیامبری می‌دانست که با خدا سخن می‌گوید و سخنان او را می‌شنود. او پیامبری است که صدایش برای دوستی و احترام راستی بلند است. او دوست خداست. ارتباط او با خدا از روی پستی و حقارت نیست بلکه او از خدا استمداد می‌طلبد. آنگونه که دوستی از دوست دیگر کمک می‌خواهد.

Zaehner, R.C, ۱۹۷۵, PP. ۳۷-۳۹ وی در مورد اهورامزدا چنین می‌گوید: اهورا مزدا خالق همه چیز اعم از مادی و معنوی است. و از آنجا که همه چیز را به وجود آورده است خلقش "exnihilo" است. او خالق اراده و قادر مطلق است. و وجودش به هیچ وجه با نیروهای شر چنانکه در دین زرتشتی متأخر می‌آید، محدود نمی‌شود. اوست که تمام انسانها را بنا بر اعمالشان در روز واپسین داوری می‌کند. Ibid, PP. ۵۴-۵۵.

هنینگ در همین راستا می‌گوید: مردمی که زرتشت در میان آنها ظهور کرده و به ترویج و تبلیغ دین ثنوی خود پرداخته است، یگانه پرست بوده‌اند، و ثنویت زرتشتی اعتراضی بر یگانه پرستی بوده است. مجتبیایی، فتح اله، ۱۳۶۵، ۲۶

نیولی نویسنده مقاله دین زرتشتی در دائره المعارف الیاده در همین ارتباط می‌گوید:

«نوآوری اصلی دین زرتشت که به واسطه آن از ادیان مردم هند و اروپایی خاور نزدیک و مرکز آسیا متمایز گشت، تأکید آن بر توحید بود. البته ثنویت به عنوان چهره برجسته آن باقی می‌ماند. باید گفت که هر دو جنبه توحید و ثنویت برای فلسفه زرتشت و نظریه دینی او اساسی است. ارزش والای این اندیشه نزد زرتشت، سبب شد تا یونانیان او را بیشتر یک

انسان حکیم بدانند تا مؤسس دین، ایشان نویسنده گاتاها را به عنوان یکی از عالیتین و

مهمترین نمایندگان «حکمت بیگانه» دانستند (Gnoli, Gherardo, P. ۵۸۱.

در مورد مفهوم خدا در دین زرتشت مولتون می گوید: «سورای دانا» بیش از دوران

زرتشت وجود داشته است. خدای دانا ایزد خاص آریایی ها بود. و این مسأله خود مؤید این

است که زرتشت یک آریازنتو بوده است نه یک مغ که سالها بعد او را به آن محکوم

کردند. برای اینان اهورامزدا خدای قبیله بود. و نسبت به ایزدان طبقات دیگر در مقام

بالاتری قرار داشت. به نظر می رسد که اولین قدم زرتشت این بود که از چندگانه پرستی

موجود به سوی بیگانه پرستی رود و از ایزدی که بزرگترین ایزدان بود به سوی خدای واحد

رود (James, Hope, Moulton, P. ۱۹۱۳, ۹۰, سپس در جای دیگر می گوید: من

اذعان می کنم که دین زرتشت دین توحیدی بود. قضاوت ما درباره فکر زرتشت تنها از

طریق کاتاهاست. در گاتاها شاهد ترکیب مفاهیم نظری و عملی می باشیم. در جهان اندیشه،

زرتشت در میان کیفیات، صفات و اصولی زندگی می کند که به اندازه چیزهایی که می بیند

برای او واقعی اند. لذا نیازی به تشخیص بخشیدن به آنها نیست. قبیله او کشاورز بود. و

دائماً مورد آسیب قبایل صحرا نشین واقع می شد. این مسأله نفرت او را نسبت به خدایان

قبایل مهاجم برانگیخت. چنین ذهنی در تأکید بر حقیقت به این استنتاج نظری می رسد که

حقیقت واحد است (loc. cit, p. ۹۴.

این نظریات پراکنده و گاه متناقض مؤید این مسأله است که اکثر محققین و ایرانشناسان با

مشکل جدی که در ابتدای این بحث به آن اشاره شد یعنی گوناگونی منابع و مآخذ و

ناهماهنگی و تأویل پذیری آنها مواجه بوده اند و عده ای از ایشان به دلیل عدم توجه به تمام ابعاد لازم برای یک تحقیق دقیق در دام خطا گرفتار شده اند. برای مثال نظریه هیننگ با تمام اطلاعات و آگاهی‌هایی که از اوضاع دینی مردم سرزمینهای شرق ایران از آن روزگار تا کنون بدست آمده است و همچنین با همه تحقیقاتی که در این زمینه شده است ناسازگار است. پشتهای اوستا که بیانگر اوضاع دینی پیش از عهد زرتشت است و همچنین سرودهای خود زرتشت، کاتاها، به روشنی نشان می دهد که پیش از زمان او نوعی چندگانه پرستی به صورتی که در وداها و برهمنه های هند به نظر می رسد، در سرزمینهای شرق ایران رواج داشته و پیشوایان و کارگزاران آداب و مناسک دینی «کویها» «و» «کرپنها» «و» «اوسیجها» بوده اند که درودها نیز از آنان صحبت شده، و دشمنان دین مزدا پرستی زرتشت بوده اند، ایزدانی مانند میتره، آناهیتا، ورثرغنه، وایو و ایزدان دیگری که در قسمت‌های اوستا ستایش شده اند، قبل از زمان زرتشت توسط مردمی که به دین او روی آوردند پرستیده می شدند. و بعدها نیز به تدریج در مزداپرستی راه یافتند و در کنار اهورا مزدا و امشاسپندان قرار گرفتند. ثنویت نیز بر خلاف نظر هیننگ در ایران پیش از عهد زرتشت سابقه طولانی داشته و نه تنها در زروان پرستی که زرتشت صریحاً در یسنا ۳۰ بدان اشاره می کند بلکه در دوگانگی میان دئوها و اهوره‌ها مطرح بوده و در معتقدات دینی و جهان بینی مردم مؤثر بوده است. اما نیبرگ، او چون میان بعضی از اعمال و عقایدی که به شمنان سکایی و اقوام بدوی آسیای میانه نسبت داده شده است، از یکسو، و برخی از آداب و عقاید دین زرتشتی و رقص و سماع صوفیانه، از سوی دیگر، شباهتهایی دیده است زرتشت را در اصل از شمنان

آسیای مرکزی به شمار آورده است) مجتبیایی، فتح اله، ۱۳۶۵، ص ۱۷-۲۶ (البته با تعریفی که غربیان از دین شمنی دارند و آنها را افرادی می‌دانند که فریاد بر می‌کشند و کارهایی را برای تسخیر ارواح به جا می‌آورند. بیان این شباهت در اینجا تنها تحقیر کردن حالت روحانی و نیایشهای پرشور زرتشت و یکتا پرستی اوست.

یهودیت

یهودیت یکی از سه دین ابراهیمی است که پیروان آن از دوران کهن تاکنون خود را فرزندان قوم بنی اسرائیل میدانند. به راستین، این دین نخستین دین ابراهیمی به شمار می‌رود. پیامبر یهودیان موسی نام دارد و کتاب آسمانی وی تورات نام دارد. گفتنی است که در کتاب های آسمانی انجیل و قرآن از موسی به نیکی و از پیامبران بزرگ منش یاد شده است.

یهودیان و فرزندان قوم بنی اسرائیل بیش از پنج هزار سال است که در سرزمین اسرائیل می‌زیسته اند. همکنون کشور اسرائیل تنها کشور یهودی در جهان شناخته میشود.

پیدایش یهودیت

پیدایش این دین با آمدن دستور خدایی بر موسی (ع) در کوه حوریب آغاز شد، و به نام‌های چون: دین عبری، دین بنی اسرائیل، دین کلیمی و دین یهودی آشنا است. رابرت هیوم در کتاب ادیان زنده جهان می‌گوید «این واژه نخستین بار در حدود یکصد سال پیش از میلاد مسیح در ادبیات یونانی-یهودی به کار رفته است و واژه دیگری که تمام تاریخ این دین را در بر بگیرد، وجود ندارد.» مأموریت اصلی، موسی، برد و چرخه‌ی استوار بود. نخست دعوت بنی اسرائیل به

عبادت خدای یکتا یا یهود و دوم آزادی قوم بنی اسرائیل از اسارت فرعون مصر بود. موسی با آوردن تورات از جانب خداوند، قوم خود را به راه رستگاری هدایت نمود. بعد از موسی، یوشع رهبری بنی اسرائیل را برعهده گرفت و بعد از یوشع، پیامبران زیادی با آوردن کتاب مقدس،

هدایت قوم بنی اسرائیل را عهده‌دار شدند. یهودیان، عهد قدیم را محصول تعالیم انبیا، خود می‌دانند، تعالیمی که از موسی (حدود ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد) شروع و به ملاکی (حدود ۱۶۰ قبل از میلاد) ختم می‌شود. عهد قدیم، میراث گرانبهای موسی و پیامبران بنی اسرائیل محسوب می‌شود. از عهد قدیم دو نسخه مهم قدیمی موجود و در دسترس است: یکی به زبان اصلی، یعنی عبری و دیگری به زبان یونانی که به ترجمه سبعینیه (با هفتادتنان) معروف است. قدیمی‌ترین نام عبری کتاب مقدس هاسفریم به معنای الکتب می‌باشد.

زمان کهنعهد قدیم شامل ۳۹ کتاب است که در دوره‌ای بیش از هزار سال به رشته تحریر در آمده‌اند. یهودیان برای کتاب مقدس، تقدس و الائی قائلند و آن را الهام خداوند بر نویسندگان کتاب مقدس می‌دانند و بر این باورند که کتاب مقدس دو مؤلف دارد یکی خدا و دیگری بشر و بین‌اینده و عنصر خدایی و بشری جدایی وجود ندارد. البته بعضی‌ها هم وجود دارند که ایراداتی را بر کتاب مقدس گرفته‌اند و این کتاب را از قلمرو الهی بودن خارج دانسته‌اند که در اینجا مجالی برای بحث در مورد آن وجود ندارد.

عهد قدیم به سه بخش تورات (قانون یا اسفار پنجگانه)، نبودیم (پیامبران)، و کتوبیم (نوشته‌ها) تقسیم می‌شود. تورات شامل پنج کتاب موسی (ع) می‌باشد که در مدت ۴۰ سال بر موسی وحی شد. این بخش سرچشمه اصلی وحی و نبوت است.

تورات دارای پنج کتاب (سفر) به نام‌های پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه است. بخش پیامبران، دارای دو بخشچه ی پیامبران پیش گام (متقدم) (صحیفه یوشع، داوران، سموئیل اول، سموئیل دوم، پادشاهان اول و دوم) و پیامبران پایانی (متأخر) که دارای کتابهای اشعیا، ارمیا، و تمام پیامبران کوچک دیگر است که تا پیش از مسیحی (۱۶۰ سال پیش از میلاد) ظهور کرده‌اند. بخش نوشته‌ها، گردایش سوم از زمان کهن است که شمار آن به دوازده می‌رسد و دارای مزامیر، امثال، غزل غزلها و... می‌شوند.

البته باید اضافه کنیم که بسیاری از پژوهش‌گران بر این باورند که اسفار را موسی نوشته و بلکه سرگذشت موسی مبتنی است بر در روایات سیصد و چهارصد سال بعد از او که به رشته نوشتاری درآمده و به صورت حکایت موجود است.

یهود

در کنار ادیان مزدیسنی، زروانی، میترائی، مانوی و کیش مزدک، مذاهب دیگری نیز در ایران عرض اندام می‌کردند که ریشهٔ سامی داشتند، از جمله دین قوم یهود .
قوم یهود در ایران در حدود دو هزار و هفتصد سال سابقه دارد . در حدود سال ۷۰۰ پیش

از میلاد، سالامانزارا، پادشاه آشور دولت اسرائیل را که پایتخت آن شهر سامره بود منقرض

کرد. در آن تاریخ دو دولت از بنی اسرائیل وجود داشت یکی موسوم به دولت یهودا که افراد آن از اعقاب حضرت داود و سلیمان بودند و پایتخت آنان شهر اورشلیم بود و دیگری معروف به دولت اسرائیل که افراد آن از خانوادهٔ افرائیم فرزند حضرت یوسف بودند و پایتخت ایشان شهر سامره بود.

سالانوار قریب ۶۰،۰۰۰ نفر از یهودیان تبعهٔ دولت اسرائیل را به اسارت گرفت و به اطراف بابل و ماد کوچانید. از این مهاجران و اسیران یهودی، عده‌ای به طرف گیلان و دماوند رهسپار شده، در این نواحی به واسطهٔ موقعیت و محل مناسب آن ساکن شدند. پس از تقریباً دوست سال، کورش کبیر، اعلامیهٔ آزادی یهودیان را صادر کرده به آنها همه

گونه مساعدت‌های سیاسی و مالی نمود و آنان را برای آبادانی اورشلیم و بیت‌المقدس به کنعان فرستاد. عده‌ای از یهودیان ایران، اصلاً از آن اعلامیه آگاهی حاصل نکردند و برخی هم که مطلع شدند به واسطهٔ ریشه‌ای که دوانده بودند و صاحب آب و گل و احشام شده بودند از ایران بیرون رفتند و بعدها به تدریج به نواحی دیگر ایران رفتند و در آن شهرها ساکن و متوطن شدند. اکنون دهکدهٔ بزرگی در نزدیکی دماوند واقع است که گیلیارد

(Gilyard) نام دارد و تپه‌های آن، قبرستان دوهزار و پانصد سالهٔ یهودیان است. ایران

قدیم به مناسبت مجاورت با فلسطین همواره پناهگاه یهودیان بود. قوم یهود در زمان

هخامنشیان، به‌ویژه در زمان خشایارشا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شد.

اسرائیلیان از ۳۳۰۰ سال پیش تاکنون منتظر آمدن موعودشان هستند که بیاید و دنیا را پر از

عدل و داد کند. یهودیان، موعود خود را ماشیح (Mashyah) می‌نامند.

سخنانی در تلمود یافت می‌شود که به موجب آن با توبه و اعمال نیک مردم، ظهور ماشیح نزدیک خواهد شد .

در تعلیمات دینی دانشمندان یهود هیچ یک از موضوعات مربوط به جهان آینده، مانند

اعتقاد به رستاخیز مردگان، دارای اهمیت نیست . اعتقاد به قیامت یکی از اصول دین یهود است که انکار آن گناهی بس بزرگ محسوب می‌شود . آنان بر این باور هستند که مردگان در روز قیامت ذات قدوس متبارک، نزول اجلال خواهد فرمود و خواهند دید .

در جهان آینده، ذات قدوس متبارک، نیکوکاران و بدکاران اسرائیل را داوری خواهد کرد، به نیکوکاران اجازه خواهد داد که داخل بهشت شوند و بدکاران را به دوزخ خواهد

فرستاد . سپس بدکاران را از دوزخ بیرون کشیده در کنار بهشت خواهد نشاند و به ایشان خواهد گفت : ببینید، این مقام نیکوکاران است و هنوز مکان خالی در آن یافت می‌شود، تا آنکه شما نگوئید که اگر توبه می‌کردیم بر ایمان جایی در بهشت و در میان نیکوکاران نبود . آنگاه نیکوکاران را از بهشت بیرون آورده آنها را به دوزخ خواهد برد و به ایشان خواهد

گفت : ببینید، این جای بدکاران است و هنوز مکان خالی در آن یافت می‌شود، تا آنکه شما نگوئید اگر ما گناه می‌کردیم در دوزخ بر ایمان جایی نبود . ولی بدکاران سهم خود و سهم

شما را در دوزخ وارث خواهند شد . جهنم که در زبان یهود گهی نوم (Gehinnom)

خوانده می‌شود، دارای هفت طبقه است و هرچه انسان شریرتر و بدکارتر باشد به همان

نسبت، جای او در طبقه پائین‌تری خواهد بود . باغ عدن (Gan. Eden) یا بهشت که

جایگاه لذت و شادمانی است نیز دارای هفت طبقه است که هفت دسته از نیکوکاران در آن سکنی خواهند گرفت که هر چه نیکوکارتر باشند، در طبقات بالاتری جای خواهند داشت .
برخی احکام دین یهود

یهودیان در شبانه روز سه مرتبه نماز می خوانند که آنها را نماز صبحگاه، نماز نیمروز و نماز شامگاه می گویند .

هنگام نماز بدن و لباس باید از هر گونه کثافت و پلیدی پاک باشد . سپس دست ها و صورت را به عنوان وضو می شویند و به طرف بیت همیقداش که بیت المقدس است ایستاده با خضوع و خشوع شروع به خواندن نماز می کنند .

علاوه بر عبادات و نمازهای فردی و خصوصی که انسان به وسیله آنها، حاجات خود را از خدا می خواهد، نمازهای جماعتی نیز هست که افراد موظف هستند در آنها شرکت جویند . نماز و دعا در صورتی مستجاب می شود که در کنیسه خوانده شود . آنها بر این باور هستند که وقتی ده نفر با هم نماز جماعت می خوانند یا دور هم نشسته خود را با تحصیل تورات مشغول می دارند، شخیناً که همان یهوه) خدا (است در میان ایشان مسکن می گزیند .

به انداختن صیصیت یا طلیت (صیصیت (Siste) یا طلیت (Telit) پارچه سفیدی است به شکل مربع مستطیل که در چهار گوشه های آن نخهائی آویخته شد که به طور مخصوص گره زده شده و آن را هنگام نماز صبح بر دوش می اندازند . نوعی از آنرا که از طلیت معمولی کوچک تر است صیصیت قاطان یا طلیت کوچک می گویند، همواره زیر پیراهن می پوشند .)

بر دوش به خصوص در نماز صبح و بستن تفیلین (Tephilin) به دست‌ها و پیشانی خود اعتقاد دارند .

مردان با گذاشتن کلاه بر سر و زنان با پوشانیدن موی سر خود به نماز می‌ایستند هنگام

نماز خواندن دست‌ها را روی سینه گذاشته با خدا راز و نیاز می‌کنند .

اصول سیزده گانه دین یهود :

-اینک من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ خداوند تبارک و تعالی خالق و رهبر جمیع

مخلوقات است و او به تنهایی همه مخلوقات را به وجود آورده و خواهد آورد و همواره

حاضر و ناظر است .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ خداوند متعال یگانه است . و هیچ واحدی مانند او یکتا

نیست و او به تنهایی خدای ما است . بوده و هست و خواهد بود .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ خداوند بزرگ متبارک جسم نیست و هیچ نوع جسم

مادی برای او متصور نیست و هیچ گونه شبه و مانندی برای او نمی‌توان تصور کرد .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ خداوند تبارک و تعالی اولین و آخرین است و مقدم بر

تمام متقدمین است .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ فقط باید او را عبادت کرد . و جز او هیچ چیز سزاوار

عبادت نیست .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ همه گفتار انبیاء بر حق است .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ نبوت حضرت موسی کلیم‌اله بر حق است و او سرور
جمع انبیاء قبل از او و بعد از او می‌باشد .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ تمام مندرجات تورات که هم‌اکنون در دسترس ما است
آن توراتی است که از جانب الله به‌وسیله حضرت موسی به ما اعطا شده است .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ این تورات هیچ‌گاه تغییر نیافته و نمی‌پذیرد و دیگر
قوانینی غیر از آن از جانب خدا نازل نمی‌شود .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ خداوند متبارک و تعالی اندیشه‌های همه انسان‌ها را می
داند و کارهای آنها را می‌بیند همانطوری که گفته شده است خداوند خالق قلوب آنها است و
اعمال آنها را از ابتداء می‌داند .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ خداوند تبارک و تعالی به شیران مکافات عمل بد و به
صالحان پاداش کار نیک آنان را می‌دهد .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ ناجی موعود ظهور خواهد کرد و هر چند که به تأخیر
افتد با وجود همه اینها من منتظر او تا هنگام ظهور او خواهم بود .

-من با ایمان کامل ایمان دارم که؛ به هنگامی که رضای خداوند تعلق گیرد مردگان زنده
خواهند شد . نام خداوند از ازل تا ابد و همیشه متبارک باد خداوند نجات تو را دارم من
منتظر نجات از جانب خداوند هستم . دو مرتبه .

روزه در دین یهود :

اولین روزه را در دین یهود حضرت موسی می گیرد که در کوه طور چهل شبانه روز بدون خوراک و آب با یهوه) خدا (به مشورت می نشیند و ده فرمان را بر روی دو لوح سنگی می نویسد و پائین می آورد. در تورات برای روزه گرفتن دستوری صریح وجود ندارد و ماه یا هفته معینی برای روزه تعیین نشده است، ولی پس از تبعید، فرقه های یهود درباره صوم، آداب و رسوم خاصی را اجرا می کردند، و به تدریج سه نوع روزه در سال معمول گشت:

- روزه یوم کیپور - (Kipur) که روزه بزرگ نامیده می شود روزی است که حضرت موسی از کوه طور برگشته است. یک روز به یوم کیپور مانده، مردان یک خروس و زنان یک مرغ ذبح کرده بین فقرا تقسیم می کنند و همان روز به زیارت قبور رفته به فقرا صدقه می دهند. قبل از غروب همان روز شام می خورند و تا بعد از غروب روز بعد روزه می گیرند، یعنی تا شش ساعت و بیست و پنج دقیقه بعد از ظهر یوم کیپور.

در این مدت روزه داری هیچ کاری ولو پختن غذا و نظافت به غیر از خواندن تورات و دعای مرسوم (Sedour) انجام نمی دهند و به هیچ نحو به آتش دست نمی زنند، به استثنای چند ساعت خواب، تمام اوقات خود را در کنیسا می مانند و دعای سدور می خوانند. وقت این روزه دهم الول (Eloul) است که در بعضی اوقات برابر است با چهاردهم مهر) ده روز کمتر یا ده روز بیشتر. (این روزه هیچ وقت با روزهای یکشنبه، چهارشنبه و جمعه مصادف نمی شود و یهودیان طوری ترتیب می دهند که روزه یوم کیپور غیر از این سه روز باشد.

-روزه پوریم - (Purim) که روز سیزدهم آذر است برابر پانزدهم اسفند .در این روز انجام هیچ کاری به غیر از مبطلات روزه ممنوع نیست .اهمیت این روزه^۱ مانند روزه^۲ یوم کیپور نیست .

-روزه^۳ حضرت زکریا - که در روز نهم آب برابر نهم ذیقعده است .یهودیان روزهای اول تا هشتم آب را برای شهادت حضرت زکریا تقریباً به نوعی عزادار هستند .در این مدت به هیچ نحو گوشت نمی‌خورند، عروسی و جشنی برپا نمی‌کنند .روز هشتم به زیارت قبور اموات رفته به مستمندان کمک می‌کنند و به آنها اعانه می‌دهند و قبل از غروب روز هشتم شام می‌خورند تا غروب روز نهم می‌گیرند .این روزه واجب است .

انحصارگرایی در دین یهود با توجه به تورات بنی اسرائیل ، فرزندان اولاد یعقوب پیغمبر علیه السلام می‌باشند که نخست زندگی چادر نشینی داشته، سپس فراعنه مصر آنها را به سرزمین مصر برده و مثل اسیران با آنها رفتار می‌کردند تا اینکه خداوند به وسیله حضرت موسی علیه السلام آنان را از آن وضع نجات بخشید و برای سامان دادن به اوضاع ناهنجارشان کتاب تورات را بر موسی نازل کرد .

- در زمان حضرت موسی علیه السلام و عصر یوشع پیامبر علیه السلام با پیشوا و امام خود مثل سایر مردم زندگی کرد. و ادامه حیات دادند اما بعد از آن امور زندگیشان به دست قضاتی چون «ایهود» و «و» جدعون «افتاد. سپس در دوران پادشاهان، بخت نصر پادشاه بابل، به سرزمین آنها لشکر کشی نمود. پس از گشودن بلاد یهودیان و تخریب شهرها، فرمان

داد، تمام نشانه‌ها و علائم دینی آنها را از بین برده و مسجدالاقصی را به خاک تبدیل نمودند. در این گیسو دار جنگ و نزاع، کتاب مقدس آنها تورات و تابوتی که جایگاه آن بود ناپدید شد. حدود پنجاه سال آنها در بابل زندگی می‌کردند در حالی که از کتاب دینی‌شان خبری نبود. تا اینکه کوروش پادشاه ایران بابل را فتح و اسیران بنی اسرائیل را آزاد کرد .

- کوروش «عزرا» را که از نزدیکانش بود بر آنان حاکم نمود و دستور داد توراتی نوشته و مسجدالاقصی را دوباره بنا کند. عزرا در سال 457 قبل از میلاد بنی اسرائیل را به بیت المقدس آورد و بعد در آن کتب عهد عتیق را (تورات امروزی) جمع آوری و تصحیح نمود. همین قضیه موجب شد که برخی از مورخان اروپایی در وجود حضرت موسی شک کنند و او را مثل حضرت عیسی علیه السلام یک شخص افسانه‌ای بپندارند. با بیان این نکته تاریخی و مطالعه در متن تورات و تناقضهایی که در آن به چشم می‌خورد معلوم می‌شود که تورات فعلی (کتاب مقدس یهودیها) همان متن نازل شده بر حضرت موسی نبوده بلکه مقطوع السنه می‌باشد .

- یهودیان کتابهای مقدسی که فعلا در دست دارند 35 کتاب است. قرآن کریم به این نکته اشاره دارد که برخی از مطالب تورات حقیقی در کتابهای مقدس آنها موجود است. ولی اغلب مطالب آن جعلی است به عنوان مثال اگر خواسته باشیم مصادیقی را بیان کنیم

می توان نکاتی را در باب موضوع مورد بحث ارایه داد که مرحوم شهرستانی به آن اشاره دارد: « با توجه به اینکه در تورات، آمدن دو پیامبر صاحب شریعت را بشارت داده اما یهود مدعی است که شریعت، واحد است و آن هم به دست موسی علیه السلام شروع و ختم گردید و قبل از موسی شریعتی نبود مگر حدود عقلی و احکام اصلاحی . نسخ نیز جایز نیست که بعدا شریعتی بیاید و شریعت یهود را از بین ببرد چون نسخ در امور، بدا است و بدأ هم بر خدا جایز نیست. در عین حال در تورات، دلالات و نشانه هایی است بر اینکه شریعت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم حق است و صاحب شریعت صادق » .

- این مطالب بخوبی بر انحصار گرایی و حصر انگاری یهود نسبت به شریعتش دلالت دارد .

مفسرین تورات) خاخامها (در تفسیر تورات گفته اند :

« ارواح یهود از ارواح دیگران افضل است زیرا ارواح یهود جزء خداوند است. همچنانکه فرزند جزء پدرش می باشد و روحهای یهود نزد خدا عزیزتر است زیرا ارواح دیگر شیطانی و مانند ارواح حیوانات است . بهشت مخصوص یهود است ولی جهنم جایگاه مسیحیان و مسلمانان است.»

جالب این است که با همین عقیده و مبنای باطل با سایر اقوام در طول تاریخ روبرو می شدند و الان نیز با افراد جوامع دیگر با همین دید تعامل دارند. چنین داعیه ای در حقانیت، آنقدر تزلزلش آشکار است که نیازی به اقامه دلیل در رد آن به نظر نمی رسد.